

موج دوم

ناسیونال سوسیالیسم

در عرصه جهانی

امیرعلی لاهرودی

کمونیسم به عنوان ایدئولوژی طبقه کارگر در اواسط قرن ۱۹ در اروپا اشاعه پیدا کرد. و به مثابه شبی هولناک طبقات حاکمه را هراسان نمود. در پایان دومین دهه قرن ۲۰ این شب در شرق اروپا، در روسیه به واقعیت مادی تبدیل گردید. اروپای محافظه کار با این حادثه ای سرنوشت ساز روبرو شدند و برای نابودی آن اسلحه بدست گرفتند. آتش نبرد سیاسی و ایدئولوژیک را شعله ور ساختند. جنگ در جبهه با کمونیسم روسی و جنگ پشت جبهه با کمونیست های « وطنی » شدت یافت. جنگ در جبهه با کمونیسم گرچه ۳ سال طول کشید اما با شکست مهاجمین و پیروزی کمونیست های روسیه پایان یافت. جنگ در پشت جبهه چند مرحله را طی نمود. در مرحله ای اول فاشیسم از سال ۱۹۲۰ گریبان گیر مردم ایتالیا شد. هیتلر از آجوفروشی های مونیخ سر در آورد. حزب ناسیونال سوسیالیسم آلمان را پایه ریزی کرد. در سال ۱۹۳۳ با حمایت سرمایه مالی و صنعتی آلمان قدرت را در دست گرفت.

نخست حزب پر قدرت کمونیست آلمان را از دم تیغ ضد کمونیسم گزارند، پشت سر آن حزب سوسیال دموکرات آلمان را نابود نمود. با تحکیم قدرت خود در پشت جبهه به کشور گشایی در سراسر اروپا پرداخت. آخرین تیر را به روسیه کمونیستی شلیک کرد. اما تیر هیتلر به سنگ خورد. کمونیست های روسی فاشیسم آلمان را در لانه خود خفه کردند، هیتلر قهرمان ضد کمونیست با معشوقه خود خود کشی کرد.

طولی نکشید ناسیونال دموکرات ها (وارثین ناسیونال سوسیالیسم) در آلمان در صحنه ضد کمونیسم ظاهر شدند طبقات حاکمه در غرب از جمله در آمریکا راهی که چرچیل نشان داد در پیش گرفتند. مسابقه تسلیحاتی را به کمونیست های روسیه تحمیل نمودند و برای نابودی دولت کمونیستی در روسیه با هزینه میلیارد ها دلار جنگ تبلیغاتی و ایدئولوژیکی راه انداختند و در نهایت امر برای منفجر کردن ساختمان کمونیسم در روسیه فردی تقریباً نا شناس بنام خروشچف ظهور کرد.

خروشچف به مثابه ای بازیچه در دست ضد کمونیست ها بمب ساعتی دو مرحله ای زیر ساختمان کمونیسم در روسیه گذاشت. نخستین بمب او در کنگره ۲۰ حزب کمونیست اتحاد شوروی منفجر شد. کنگره ۲۰ چنان لطمه جبران ناپذیری به اعتبار کمونیسم و کمونیست ها در جهان وارد کرد که بازتاب او در کمونیسم و مائویزم شد. با طرح «اید» نواندیشی در کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی انفجار دوم رخ داد و حزب کمونیست و ساختمان سوسیالیسم در شوروی فرو ریخت و مرحله ای جدیدی در سیاست جهانی و در مناسبات میان دولتها و ملتها آغاز گردید.

کاری که هیتلر آغاز کرده بود گورباچف و یلتسین آنرا به پایان رساندند. اما این مرحله پایان کار نبود. بلکه آغاز مرحله ای بود که هم اکنون در حال پیشروی و گسترش است. ناسیونال سوسیالیست های «نوظهور» در اروپای متمدن ترس از کمونیسم را پنهان نمی کنند. برای فریب مردم ساده اندیش کمونیسم را در ردیف فاشیسم قرار می دهند و از پارلمان اروپا می خواهند قانونی را در جهت محکوم کردن کمونیسم و فاشیسم از تصویب بگذرانند. در استونی مزار سربازان ارتش سرخ را ویران کردند و در مکانی دور از انظار گودالی کردند و استخوان های آنان را به آن گودال ریختند و روی آن را با خاک پوشاندند.

وضع مشابهی در گورستان بودا پست رخ داد. قبر "یاناش کادر" رهبر اسبق مجارستان از جانب اشخاص « ناشناس » باز شد بقایای جنازه وی به محلی نا معلوم برده شد. کسی از سرنوشت آن اطلاعی ندارد.

بعد از این دو حادثه موج بر چیدن مجسمه های سربازان سرخ و از میان بردن مزار آنان آغاز شده است.

البته نبش قبر و شکستن مجسمه ها تازگی ندارد.

چهل و چهار سال قبل باز هم با ابتکار خروشچف در آستانه تشکیل کنگره بیست و دوم حزب کمونیست اتحاد شوروی شب هنگام و دور از چشم مردم جنازه استالین از آرامگاه لنین برداشته شد و در پای دیوار کرملین دفن گردید.

بعد از کنگره ۲۲- شکستن مجسمه های استالین با پی گیری تمام صورت گرفت. این عمل مشمئز کننده خروشچف بعد از پیروزی ضد انقلاب در روسیه بدست یلتسین تکرار شد. صدای شوم ویران کردن آرامگاه لنین و به خاک سپردن جنازه وی در پطرگرا د بلند شد. همچنین بر چیدن مزار رهبران انقلاب و امرای ارتش روسیه از میدان سرخ مطرح گردید. حتی کلیسای ارتدوکس روسیه نیز با این عناصر هم صدا شد. اما کرملین با در نظر گرفتن روحیه مردم روسیه از اجرای این عمل شنیع خودداری می کند.

یاد آوری کنم که ضد کمونیست ها در بلغارستان نیز راه خروشچف را دنبال کردند. جنازه "دیمیتروف" قهرمان دادگاه لایبزیگ دوران هیتلر را برداشتند و آرامگاه آنرا ویران نمودند. ناسیونال سوسیالیسم و یا ناسیونال رادیکالیزم از پشت چهار دیوار اروپا خارج شده، روسیه نیز با وضع ویژه آن نیز سرایت کرده است.

۱- رادیکالیزم در روسیه علل عینی دارد. ثروت بیکران مردم روسیه در دست چند اولیگارش غیری روس متمرکز شده است

۲- اکثریت مطلق ملت روس زیر خط فقر زندگی میکنند.

۳- بیش از پنج میلیون کودک بی سرپرست در کوچه و خیابانهای شهرهای بزرگ سرگردانند

۴- آلودگی به الکل و به مواد مخدر حد و حدودی نمی شناس

۵- رهبران دولت روسیه در چنین شرایطی بحرانی عظمت و قدرت روسیه را پیش می کشند و احساسات جوانان محروم را تحریک می نمایند. بعبارت دیگر روحیه ناسیونال رادیکالیزم را در میان جوانان تقویت می کنند.

تحریک اعصاب جوانان روس در تقویت روحیه تبعیض نژادی نقش موثری ایفا می کنند.

جنگ طویل المدت در چین (شمالی قفقاز) به نابود شدن شهرها و روستاها در این جمهوری نیم میلیونی منجر شد و دهها هزار قربانی گرفت. خصومت میان روس ها و مسلمانان قفقاز شمالی تشدید شد. شکار قفقازی های مقیم شهرهای روسیه، بویژه مسکو و پطرگرا د مقیاس وسیعی به خود می گیرد. تبعیض نژادی با حمله قفقازی ها پایان نمی یابد، مهاجرین آسیای میانه، دانشجویان آسیائی و آفریقایی را نیز در بر می گیرد. در وسط خیابان دختر ۷ ساله ای تا جیکی در کنار پدر و بردارش کشته می شود، سیاه پوستان آفریقایی نیز از این سرنوشت در امان نیستند. حملات به قربانیان، تبعیض نژادی مانند کماندوهای هیتلر در سالهای ۲۰ و ۳۰ قرن گذشته را بیاد می آورد. پیروزی محافظه کاران در انتخابات اخیر ریاست جمهوری و پارلمانی در فرانسه و انگشت نگاری در سراسر آلمان بار دیگر نشان می دهد که اروپای پیر در جاده ناسیونال رادیکالیزم چهار نعل به پیش می تازد.

بدین ترتیب ضد کمونیسم خیز گرفته، اروپای متمدن و اروپای نیمه متمدن و روسیه را در بر گرفته است. آمریکای ضد کمونیست و دموکرات رهبری این چنین جهان را در کف «با کفایت» خود متمرکز نموده از آب گل آلود ماهی میگیرد.

این وضع تا کی ادامه خواهد داشت. آیا جنبش ضد جهانی سازی خواهد توانست در جلوی این خود سری ها بایستد و بر آن پیروز شوند؟

راه توده ۱۳۷-۲۵,۰۶,۲۰۰۷